

ارتباط معنوی مادر با خدا و تأثیر آن در تربیت دینی کودک

سمیعه کلثوم^۱، مرضیه سادات سجادی^۲

چکیده

مادر در تربیت دینی فرزندان، نقش عمیق و مهمی دارد. مادر است که در لحظه لحظه زندگی فرزند همراه اوست و به او می‌آموزد که چگونه بیندیشد و در برابر امور مختلف چه رفتاری داشته باشد. در تربیت دینی نیز این مادر است که فرزند را با خدا آشنا کرده و ایمان به او را در زندگی فرزند خود جاری و ساری می‌کند. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی به این سؤال پاسخ می‌دهد که ارتباط معنوی مادر با خدا چه تأثیری در تربیت دینی فرزند دارد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان از تأثیر بیشتر نقش وراثتی مادر نسبت به پدر دارد. براین اساس اصل خودسازی، خدامحوری و ارتباط مادر با خدا در دوره قبل از تولد، بعد از تولد، در دوره شیردهی و... مهم بوده و لازم است مادر برنامه‌ریزی مناسبی برای تربیت صحیح فرزند خود داشته باشد.

واژگان کلیدی: تربیت، مادر، کودک، تربیت دینی، خدا، فطرت الهی،

معنویت.

۱. مقدمه

هدف از خلقت انسان، رسیدن به قرب الهی است. داشتن هدف الهی در وجود انسان از کودکی نهادینه می‌شود. از این رو تربیت معنوی کودک، مهمترین نقش در موفقیت و سعادت او دارد؛ زیرا بدین وسیله مراحل رشد و تقرب به سوی خداوند را طی می‌کند. روح انسان نخست شبیه خمیر

۱. دانش‌پژوه مقطع کارشناسی مطالعات زنان، از پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی ﷺ العالمیه، قم، ایران.

۲. استادیار گروه مطالعات زنان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی ﷺ العالمیه، قم، ایران.

است که آن را در هر قالبی بریزند به همان شکل درمی‌آید. هرچه انسان رشد کند، انعطاف‌پذیری او کمتر می‌شود. از این رو، علما به تربیت دوران کودکی اهمیت زیادی می‌دهند. کودک پیش دبستانی نسبت به کسی که در دبستان، دبیرستان و دانشگاه است تربیت‌پذیری بیشتری دارد. با رشد فیزیکی، حالت روحی تثبیت شده و اصلاح آن بسیار دشوار می‌شود. (مطهری، ۱۳۸۳) بسیاری از نابسامانی‌های روانی و اخلاقی انسان ناشی از تربیت نادرست او در دوران کودکی است. اگر والدین با اصول و روش‌های صحیح تربیت کودک آشنا باشند و آن را به کار بگیرند در دوره نوجوانی با مشکلات کمتری روبه‌رو خواهند شد، پس می‌توان دریافت که آموزش خانواده‌ها و آشنا کردن آنها با روش‌های صحیح تربیتی چقدر در تأمین سعادت فردی و اجتماعی افراد مؤثر است (سادات، ۱۳۷۲، ص ۱۳). بنابراین، مادر که مرکز تربیت کودک است باید همت خود را در راستای آشنایی فرزند با بعد فطری درون خویش بگذارد. سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا ارتباط معنوی مادر با خدا روی کودکش نیز تأثیر می‌گذارد یا همین اندازه که مادر به راهنمایی فرزند و آشنا کردن او با خدا همت گمارد، کفایت می‌کند و امیال و اعتقادات درونی او به فرزند منتقل نمی‌شود. پژوهش حاضر به دنبال بررسی تأثیر ارتباط معنوی مادر با خدا در تربیت دینی کودک است.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. تربیت

تربیت در لغت به معنای پروردن، پروراندن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن و پرورش دادن است. تربیت، مصدر باب تفعیل از ریشه ربو و در لغت به معنای رشد، افزایش یافتن و اصلاح چیزی است. ابن منظور تربیت را از ربو به معنای زیادتی، رشد، نمو و نگهداری می‌داند. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۴۰۴/۱) راغب اصفهانی، تربیت را تغییر تدریجی امری می‌داند به گونه‌ای که آن چیز به حد تمام برسد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۴۰). تربیت در اصطلاح دینی به معنای پرورش دادن استعداد‌های درونی بالقوه در یک شیء است. تربیت عبارت است از: انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت تا بتواند استعداد‌های نهفته‌اش

را در تمام ابعاد وجودی خود به‌طور هماهنگ پرورش داده و شکوفا سازد و به‌تدریج به‌سوی هدف و کمال مطلوب حرکت کند (مطهری، ۱۳۸۳).

۲-۲. مادر

مادر در لغت به‌معنای مام، والده و زن فرزنددار (قریب، ۱۳۶۰، ص ۱) است که به آن، مادر، مار و ماما هم می‌گویند (عمید، ۱۳۵۳، ص ۹۱۴). مادر در دوران بارداری و پس از آن، مسئولیت اصلی نگهداری فرزند را برعهده دارد و در انجام این وظیفه، بدون هیچ چشم‌داشت مادی یا معنوی تلاش می‌کند. مراقبت‌های دوره کودکی، شب‌زنده‌داری‌ها و بیداری‌های مادر برای فرزندان برای این نیست که این کودک روزی رشد کند و یاور او باشد چه بسا مادر، جان خود را برای طفلش به‌خطر می‌اندازد و جز خیر او را نمی‌طلبد. حضرت علی علیه السلام در تبیین معنای رحمن می‌فرماید: «از رحمت خداوند است که چون کودک، قدرت برخاستن و غذا خوردن ندارد این نیرو را در بدن مادرش قرار داده و او را برای تربیت و نگهداری، ملاحظت و مهربانی بخشیده و اگر قلب مادری سخت شود تربیت و نگهداری از کودک بر سایر مؤمنان واجب می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۴۸/۸۱). مادری، وظیفه‌ای ملکوتی است که از ذات اقدس الهی به او تفویض می‌شود و او را معدن عشق و صفا و از خودگذشتگی می‌کند تا جایی که وجودش سرشار از مهر و عاطفه و رفتارش آمیزه‌ای از رقت، خلوص، گذشت و دلداگی است. مادر به‌دور از شهرت و مقام درپی آسایش و آرامش فرزند است (برجی‌نژاد، ۱۳۸۹، ص ۳).

۳. عوامل مؤثر بر تربیت دینی

۳-۱. وراثت

ویژگی‌های پدر و مادر با وراثت به فرزندان منتقل می‌شود. بنابراین، اسلام به برخی ازدواج‌ها تأکید کرده است. در روایات آمده است: «أَنْظُرُ أَيْنَ تَضَعُ نَفْسَكَ وَمَنْ تُشْرِكُهُ فِي مَالِكَ وَتُطْلِعُهُ عَلَى دِينِكَ» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۱۹۹). در این روایت هشدار داده می‌شود: «مراقب باشید نطفه خود را در کجا قرار می‌دهید و مادری که فرزند شما را شیر می‌دهد چگونه مادری است، پس با خانواده اصیل و

نجیب ازدواج کنید و پیوند شما با زنان دین دار و متدین باشد». همچنین از برخی ازدواج‌ها پرهیز داده شده است چنان که از ازدواج با شخص معتاد به الکل ممانعت به عمل آمده است؛ زیرا تأثیرات خمر و الکل را در فرزندان نمی‌توان نادیده گرفت و باز تأکید شده که هرگز فریب زیبایی‌های ظاهری را نخورده با خانوادهایی که فاقد صلاحیت و شایستگی اخلاقی هستند، ازدواج نکنید؛ زیرا ممکن است در ماورای چهره زیبا، سیرتی زشت و خلقی گزنده وجود داشته باشد که زندگی را در کام مرد و زن تلخ و ناگوار کند (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۳۵/۲۰). خداوند متعال می‌فرماید: «وَالْبَدُّ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ؛ زمین پاک، گیاهش به‌اذن خدایش نیکو برآید» (اعراف: ۵۸). بنابراین، شرط اول سازندگی و تربیت اخلاقی و دینی آن است که پدر و مادر، واجد صلاحیت و شایستگی لازم بوده و از نظر خلقی و دینی، انسانی وارسته باشند.

۳-۲. محیط

عامل دیگری که در تربیت دینی و اخلاقی فرزندان مؤثر است تأثیرات محیطی است. محیط اجتماعی و تأثیرات آن به قدری در منش، رفتار و تصمیمات انسان مؤثر است که کمتر کسی است که بتواند ادعا کند این عامل در شخصیت یا کردار او تأثیرگذار نبوده است. عوامل محیطی به دو دسته تقسیم می‌شوند: یکی عوامل انسانی و دیگری عوامل غیرانسانی. منظور از عوامل انسانی این است که کودک در چه خانواده‌ای متولد و به چه نوع رفتارهایی آشنا می‌شود. برای مثال گاه کودک در خانواده‌ای متولد می‌شود که همیشه اختلاف و درگیری بین اعضا آن وجود دارد یا در خانواده‌ای چشم می‌گشاید که روابط پدر و مادر در کمال صفا و صمیمیت است و هرگز اختلاف و درگیری بین آن دو وجود ندارد. پرواضح است که تأثیرات وارد بر کودک در نوع اول، مغایر با تأثیرات نوع دوم است؛ زیرا در نوع اول، چون کودک از امنیت خاطر محروم است فردی مضطرب، نگران و عصبانی خواهد بود، ولی در نوع دوم، کودک شاد و خرم بار آمده و عشق به زندگی و زیبایی‌ها در او رشد می‌کند.

۴. نقش مادر در تربیت دینی فرزندان

مادر نقش مهمی در تربیت جسمی و روحی فرزندان دارد. بعد از تولد، مادر تنها فردی است که شایستگی تربیت و پرورش کودک را دارد؛ زیرا او با تمام وجودش فرزند را پرورش می‌دهد و عامل انتقال ارزش‌ها به کودک است. او می‌تواند فرزند را باراده و بزرگوار یا ناتوان و پست، باتقوا و یا بی‌حیا تربیت کند. در همه حال، مادر در شخصیت کودک اثرگذار و نقش‌آفرین است. به همین دلیل مادر باید خود در مسیر تقوا و ایمان قرار گیرد تا کودک او نیز مانند او شود. وظیفه خطیر مادر قبل از تولد فرزند با دعا و توکل برای داشتن فرزند صالح شروع می‌شود. حتی هنگام معاشرت زن و مرد باید نام خدا برده شود تا شیطان مداخله نکند؛ زیرا یکی از حساس‌ترین لحظات سرنوشت‌ساز فرد در زمان انعقاد نطفه است که اگر با نام و یاد خدا صورت گیرد چه بسا زندگی کودک در آینده دچار لغزش‌های دینی نمی‌شود. یکی دیگر از وظایفی که مادر برعهده دارد غذایی است که در هنگام بارداری می‌خورد؛ زیرا آثار و پیامدهای جسمانی و روانی بسیاری در پی دارد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ؛ پس انسان باید به خوراکش با تأمل بنگرد» (عبس: ۲۴). انسان باید به غذای خود از منظر حلالیت و حرامیت بنگرد؛ زیرا آثار مهمی در رفتار و کردار انسان دارد (کریمی‌نیا، جای و مقدم، ۱۴۰۰، ص ۷). بعد از تولد فرزند نیز باید فضای معنوی در خانه و خانواده حاکم باشد تا از همان بدو تولد، فرزند در این فضا قرار گیرد. انتخاب نام نیکو، کام برداشتن با تربت امام حسین، صدقه دادن و عقیقه برای فرزند از کارهای ابتدایی بعد از تولد برای نوزاد است که در اسلام نیز سفارش شده است و این خود باعث بالا بردن معنویات در کودک می‌شود. بعد از بدو تولد، مهمترین وظیفه مادر یعنی، شیردادن به کودک شروع می‌شود که باید آداب آن رعایت شود (کریمی‌نیا، جای و مقدم، ۱۴۰۰، ص ۷).

۴-۱. تأثیر حالات روانی مادر در کودک

در اصل این مسئله که چگونگی تغذیه مادر در زمان بارداری بر کیفیت مزاجی جنین تأثیر دارد میان دانشمندان اتفاق نظر است، اما اختلاف نظری که در اینجا وجود دارد، این است که آیا افکار،

عواطف، احساسات و احوال روانی مادر نیز در روح جنین تأثیر دارد یا نه. گروهی معتقدند که احوال روانی و هیجانات روحی مادر در زمان بارداری مانند ترس، اضطراب و دلهره، عصبانیت، کینه‌توزی و حسدورزی در روان جنین نیز اثر می‌گذارد و امکان دارد که همین صفات یا شبیه آنها از مادر به او انتقال یابد. همچنین صفات خوب و آرامش روانی مادر مثل اعتماد به نفس، خوش بینی، خوش خویی، ایمان، ترحم و نوع دوستی امکان دارد در روح جنین نیز تأثیر خوب بگذارد و او را به این صفات، متصف کند. (امینی، ۱۳۷۶، ص ۱۷۵) این گروه در توجیه سخن خود می‌گفتند: «جنین که در رحم مادر زندگی می‌کند و از غذای او ارتزاق می‌نماید یک عضو واقعی است. بنابراین هیجانات و احوال روانی مادر چنان که در اعضا و جوارح خودش تأثیر می‌گذارند، به ناچار در جنین نیز اثر خواهند داشت».

با وجود آنکه نمی‌توان مدعی شد که افکار و حالات نفسانی زن باردار به طور مستقیم در روح و اعصاب جنین اثر می‌گذارد، اما این مطلب هم درست نیست که گفته شود افکار و هیجانات روحی مادر هیچ‌گونه تأثیری هرچند غیرمستقیم در خلیات و نوسانیات جنین ندارند؛ زیرا جنین مادامی که در رحم مادر زندگی می‌کند غذای او نیز به وسیله دستگاه گوارش مادر تأمین می‌شود و صد درصد وابسته و طفیلی است. بنابراین، کیفیت تغذیه مادر در پرورش جسم، اعصاب و روان جنین نیز تأثیر کامل دارد. یک خانم باردار که با آرامش کامل روانی و تغذیه خوب زندگی می‌کند تنی سالم و روانی پاک خواهد داشت در نتیجه جنینی هم که در رحم او زندگی می‌کند در آرامش کامل و تغذیه مناسب به رشد خود ادامه می‌دهد. پرورش در چنین جایگاه سالم و امنی بدون شک در شخصیت جسمانی و روانی جنین تأثیر بسزایی خواهد داشت و بالعکس خانم بارداری که در حال اضطراب و پریشانی و بداخلاقی زندگی کند هم به جسم و جان خودش لطمه می‌زند و هم وضع تغذیه جنین و آرامش روانی او را برهم خواهد زد (امینی، ۱۳۷۶، ص ۱۷۸).

۴-۲. تأثیر حالات معنوی مادر در کودک

۴-۲-۱. قبل از تولد

تغذیه مادر در دوران بارداری هم در سلامت، بیماری، نیرومندی و ضعف جنین و هم در خلیات، ضریب هوش و حافظه او اثر دارد؛ زیرا همه بدن جنین و اعصاب مغز او از غذایی درست می‌شود که با تغذیه مادر در اختیارش نهاده می‌شود. ارتباط اخلاق افراد با کیفیت مزاجی و ساختار عصبی آنها مورد اذعان محققان است. به همین دلیل اسلام به بانوان باردار توصیه می‌کند که از بعضی غذاها و میوه‌ها استفاده نکنند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «أَطْعِمُوا الْمَرْأَةَ فِي شَهْرِهَا الَّتِي تَلِدُ فِيهِ الَّتَمَرُ فَإِنَّ وَلَدَهَا يَكُونُ حَلِيمًا؛ به زن آبستن در آخرین ماه‌های بارداری خرما بخورانید تا فرزندش بردبار و پاکیزه باشد» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۱۶۹). در روایت دیگری آمده است: «صَالِحُ بْنُ عُقْبَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: أَطْعِمُوا الْبُرْنَى نِسَاءَكُمْ فِي نِفَاسِهِنَّ تَحْلُمُ أَوْلَادُكُمْ؛ به زنانان به هنگام وضع حمل، برنی (نوعی خرما) بخورانید تا فرزندان عاقل و بردبار شوند» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۴۰۳/۲۱). امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «برنی بهترین خرمای شماس است. آن را به زنان در ایام وضع حمل بخورانید تا فرزندان بردبار و دانشمند شوند» (امینی، ۱۳۷۶، ص ۱۵۸). «عن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ انه قال: اطعموا حبالاكم السفرجل فانه يحسن اخلاق اولادكم؛ رسول خدا فرمود: به زنان آبستن به بخورانید تا فرزندان شما خوش اخلاق شوند» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ۱۳۵/۱۵). قال النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «ما من امرأة حامله اكلت البطيخ لا يكون مولودها الا حسن الوجه والخلق؛ هر زن آبستنی که خربزه بخورد، بچه‌اش زیبا و خوش اخلاق خواهد شد» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ۲۰۴/۱۵).

۴-۲-۲. بعد از تولد

اثرپذیری کودک از رفتار و کردار مادر، بیش از سایر اعضای خانواده و جامعه است. بنابراین، مادر باید معنویات را در خود تقویت کند تا بتواند فرزندان مقاوم و باینه دینی تربیت کند.

اول) شیردهی معنوی به نوزاد

شیر مادر یکی از مفیدترین غذاها برای کودک است و مادر نباید بدون علت، نوزاد را از این نعمت خدادادی محروم کند. در قرآن، خداوند طول شیر دادن را ۲ سال معین کرد: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ

أَوْلَادَهُنَّ حَوْلِينَ كَامِلِينَ؛ و مادران بایستی دوسال کامل، فرزندان خود را شیر دهند» (بقره: ۲۳۳).
 امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «الرُّضَاعُ وَاحِدٌ وَ عِشْرُونَ شَهْرًا فَمَا نَقَصْفَهُوَ جَوْزٌ عَلَى الصَّبِيِّ؛ مدت شیردادن، بیست و یک ماه است. هراندازه‌ای که کمتر باشد بر کودک ستم شده است» (کلینی، ۱۴۰۷، ۴۰/۶). از مهمترین آداب شیردادن، بردن نام خدا و طهارت و وضو است؛ زیرا بردن نام خدا باعث برکت هم در مادر و هم در نوزاد می‌شود و وضو علاوه بر روشنایی که در دل آنها ایجاد می‌کند باعث پوشیدن گناهان نیز می‌شود و این خود دلیلی برای بالا بردن معنویات در نوزاد است. امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ بِالْوَضَاءِ مِنَ الطُّوورِ فَإِنَّ اللَّبَنَ يَغْدِي؛ بر شما باد به انتخاب دایه پاکیزه و زیبا برای نوزادتان؛ زیرا که شیر اثر دارد» (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ۴۷۸/۳).

دوم) نماز

نماز مهمترین عبادت اسلامی مسلمانان است به‌گونه‌ای که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ إِنْ قُبِلَتْ قُبِلَتْ مَا سِوَاهَا وَإِنْ رُدَّتْ رُدَّتْ مَا سِوَاهَا؛ نماز، ستون دین است. اگر قبول شد دیگر عبادت‌ها نیز پذیرفته می‌شود و اگر رد شد عبادت‌های دیگر نیز رد می‌شود». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۹۴/۱۰). خداوند در قرآن می‌فرماید: «رَبِّ اجْعَلْنِي مَقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ؛ پروردگارا، مرا و از ذریه‌ام نیز کسانی را نمازگزار گردان و بارالها دعای مرا بپذیر» (ابراهیم: ۴۰). در آیه ۱۷ سوره لقمان، خداوند در اهمیت نماز می‌فرماید: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ؛ ای فرزند عزیزم، نماز را به‌پا دار». مادر، اثرگذارترین فرد است که باید با روش الگویی و عملی، خواندن این فریضه الهی را در کودک تقویت کند؛ زیرا کودک از نظر روانی به‌صورت ناخودآگاه از او تأثیر می‌پذیرد و مادر با خواندن نماز اول وقت جلوی چشمان کودک باعث نهادینه شدن این رفتار دینی در ذهن او می‌شود.

سوم) همراهی مادر با کودک در مراسم اهل بیت

یکی از موارد تأثیرگذار در روان فرزند، بردن کودک در مراسم اهل بیت و همنشینی فرزند با مادر و فیض بردن از حالات معنوی مادر در مجلس ذکر اهل بیت است. در این مجالس علاوه بر آشنایی کودک با فضای معنوی و اجتماعی، آثار تربیتی ماندگاری در روح و روان کودک ایجاد می‌شود. با

شرکت در مراسمات مذهبی اهل بیت، کودک با احکام، معارف دینی و اهل بیت آشنا می‌شود. مادر با آشنا کردن کودک با اهل بیت می‌تواند تربیت دینی را در او استحکام بخشد. حضرت زهرا علیها السلام بعد از رحلت پدرش، فرزندان خود را به مسجد پیامبر، مزار شهدای احد در بقیع و مزار عموی پیامبر یعنی، حمزه می‌برد. (محدثی، ۱۳۷۶، ص ۱۳۱)

۳-۴. تأثیر حالات اخلاقی مادر در کودک

فرزند بعد از به دنیا آمدن به طور کامل به مادر وابسته است. او چشم به مادر می‌دوزند و رفتار و سکنتات او را در حافظه خود ثبت می‌کند. مادر و خلق و خوی او در اعماق جان فرزند تأثیرگذار است. بنابراین، تا زمانی که مادر، خود را از عوامل نادرست اخلاقی دور نکند، نمی‌تواند به زندگی خوب فرزندش امیدوار باشد. تأثیر اخلاقی مادر به گونه‌ای است که حتی می‌توان ادعا کرد که راه و رسم زندگی بعدی کودک، ادامه همان روش زندگی کنونی مادر است. (برجی نژاد، ۱۳۸۹، ص ۱۵) مادر نمی‌تواند در زندگی، نقش فردی دین‌دار و دین‌پرور را بازی کند، بلکه او باید از درون، احساس دینی داشته باشد تا بعد از آن بتواند رفتار دینی داشته باشد. اگر او به این مرحله از تربیت دینی نرسد و ایمانی از درونش نجوشد، رفتارش اثربخش نخواهد بود. می‌توان گفت بدون ایمان، تربیت دینی معنا ندارد؛ زیرا دین‌داری تنها دانستن حقایق دینی نیست، بلکه راست بودن و راست زندگی کردن است. خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بگو شما که ایمان‌تان از زبان به قلب وارد نشده به حقیقت هنوز ایمان نیاورده‌اید، ولی بگویید ما اسلام آوردیم و از خوف جان، ناچار تسلیم شدیم» (حجرات: ۱۴).

تا زمانی که ایمان به ساحت وجودی نفوذ نکند، دین برای فرد، درونی نشده و نمی‌توان او را دین‌دار واقعی دانست. فرزندی که از مادری تربیت می‌شود که سخن از تدین می‌زند در حالی که شخصیتش نفاق آلود است، مصداق این آیه از قرآن قرار می‌گیرد: «دو دل و مردد باشند، نه به سوی مؤمنان یک‌دل می‌روند و نه به جانب کافران، پس هرگز برای او راه هدایتی نخواهی یافت» (نساء: ۱۴۳). مادر با دستیابی به مراتب ایمانی، خود را به مدخل صراط مستقیم می‌رساند. هرچند ورود

در این صراط، دلیل بر ادامه سیر نیست، ولی با استقامت در این راه می‌توان به مقصد نهایی دست یافت. چون ایمان و عمل، رابطه متقابل دارند. این رابطه درست مانند رابطه ریشه گیاه و اعمال نباتی است. همچنان که جذب مواد غذایی مفید، موجب رشد و استحکام آن و جذب مواد سمی و زیان‌آور موجب ضعف و خشکیدن ریشه درخت می‌شود، کردارهای شایسته نیز عامل مؤثر در دوام و استحکام ایمان و کارهای ناشایست موجب ضعف ایمان و سرانجام، تباه شدن آن است (مصباح یزدی، ۱۳۸۵، ص ۸۶).

باید دانست که شخصیت بهنجار مادر، پایبندی وی به موازین شرعی و دستورات الهی در برابر دیدگان فرزند قرار می‌گیرد و او با دیدن آنها، گویا در کلاس درسی وارد شده و آموزش می‌بیند. تأثیرپذیری فرزندان از دیگران در عرصه‌های مختلف زندگی، اصلی مسلم و پذیرفته شده در تربیت و روان‌شناسی است. البته در هر مرحله از زندگی، افراد مؤثر و الگو، تفاوت دارند. چنانچه در دوران کودکی به دلیل غریزه تقلید و محدودیت‌های ذهنی کودک و نیز علاقه و پیوند عمیق با مادر، سیر انطباق رفتاری کودک با او زیاد است. به مرور و به‌ویژه در دوران نوجوانی از اثرپذیری فرزند از والدین کاسته می‌شود، ولی با تدابیر ویژه‌ای می‌توان از کاهش میزان اثرپذیری جلوگیری کرد. رفتار مادر به فرزند می‌فهماند که مادر به مرام و مسلک خود پایبند است و به هدف خویش ایمان دارد و پایبندی در این راه، تأثیر به‌سزایی در پایبندی و درونی‌سازی این رفتارها در فرزند دارد؛ زیرا همگان به صورت طبیعی از ریا، نفاق و... گریزان هستند. مادر نقش هدایتی در فرزند دارد به شرط آنکه الگویی شایسته از هرنظر باشد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «بهترین ادب آن است که از نفس خودت آغاز کنی» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴، ص ۴۸۰). در این مسیر، اگر مادر در خود ناتوانی احساس کرد باید مدد الهی را به یاری طلبیده با تکیه بر آن، خود را از ضعف برهاند تا کودک، همواره از او توانایی و قدرت نفسانی و اعتماد باطنی ببیند و بر اثر استقامت مادر در ساحت مبانی، عاطفی و مذهبی خود استوارتر شود.

۵. مؤثرتر بودن نقش وراثتی مادر

نقش هریک از عوامل تربیتی، قابل تغییر است و این طور نیست که بتوان ادعا کرد که هریک از عوامل مؤثر در تربیت، چه اندازه تأثیر می‌گذارند، ولی به نظر می‌رسد از دیدگاه اسلام در حالت طبیعی، نقش وراثتی مادر به‌ویژه باتوجه به معنای دوم از وراثت (هرآنچه کودک به‌هنگام تولد با خود به‌همراه می‌آورد) بیشتر از نقش وراثتی پدر است؛ زیرا به‌طور طبیعی فرزند حدود نه‌ماه در رحم مادر است و شرایط روحی و روانی مادر در فرزند تأثیر می‌گذارد. بعد از تولد نیز حدود دو سال فرزند در دامن مادر پرورش می‌یابد و از شیر او تغذیه می‌کند و تا هفت‌سالگی نیز بیشتر اوقات کودک با مادر سپری می‌شود. قرآن کریم بر این دوران تأکید می‌کند و می‌فرماید: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ؛ و ما به هر انسانی سفارش کردیم که در حق پدر و مادر خود نیکی کن خصوص مادر که چون بار حمل فرزند برداشته و تا مدت دو سال که طفل را از شیر بازگرفته (هر روز) بر رنج و ناتوانیش افزوده است (و فرمودیم که) شکر من و شکر پدر و مادرت به جای آور که بازگشت (خلق) به سوی من خواهد بود» (لقمان: ۱۴). بنابراین، مادر از نظر محیطی نقش بیشتری دارد، اما از نظر علمی به نظر می‌رسد که نقش هریک از والدین در تربیت فرزند مساوی است و براساس اصل احتمالات، نقش هریک از آنها نصف است و هرچه به سلسله بالاتر والدین یعنی، آبا و اجداد برسد نقش آنها به یک‌چهارم و یک‌هشتم و همین‌طور کمتر می‌شود. از دیدگاه اسلام به نظر می‌رسد که به‌طور طبیعی نقش وراثتی مادر مانند نقش محیطی او بیش از نقش پدر است (حسینی‌زاده، ۱۳۹۵، ص ۴).

۵-۱. آیات

خداوند در آیه دوم سوره مریم می‌فرماید: «وقتی مریم حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام را به دنیا آورد مردم به او گفتند: «يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأًا سَوْءًا وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَعْثًا؛ ای خواهر هارون، تو را نه پدری ناصالح بود و نه مادر بدکار». یعنی، مردم معتقد بودند که مادر از نظر وراثتی در فساد و فحشا در فرزند تأثیر می‌گذارد نه از نظر محیط؛ زیرا مادر مریم که او را بزرگ نکرده بود، بلکه در هنگام زایمان

از دنیا رفته بود و حضرت مریم چند سال اول عمر توسط پدر، بزرگ شده بود و بعد در معبد و توسل به حضرت یحیی. بنابراین، مردم معتقد بودند که بدکارگی از راه وراثت از مادر منتقل می‌شود. از این رو وقتی با داستان مریم مواجه شدند، تعجب کردند و از او سؤال کردند چرا چنین شده است (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ۱۶/۳؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ص ۱۷۹). خداوند نیز در قرآن این قول مردم را نقل می‌کند بدون اینکه درباره صحت یا سقم آن نظری بدهد.

علامه طباطبایی معتقد است خداوند چیز باطلی را نقل نمی‌کند مگر اینکه بطلان آن را متذکر شود، پس اگر این دیدگاه مردم ناصواب بود باید آن را ابطال می‌کرد و حال آنکه در این باره نه در ادامه آیه و نه در جای دیگری از قرآن به بطلان آن اشاره ندارد. پس معلوم می‌شود که این اعتقاد و تصور، باطل و یا دست کم به طور کامل باطل نیست. (حسینی زاده، ۱۳۹۵، ص ۴) قرآن در مواردی افراد را به مادر منتسب کرده است مانند انتساب حضرت عیسی علیه السلام به مریم: «إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ادْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ» (مائده: ۱۱۰) و یا انتساب حضرت موسی علیه السلام به مادر توسط برادرش هارون: «قَالَ يَا ابْنَ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي» (طه: ۹۴). در این مورد آمده است که شاید هارون به دلیل برانگیختن ترحم حضرت موسی علیه السلام او را به مادر نسبت داده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۴/۲۷۰). اگرچه او برادر تنی هارون بوده است، ولی این سخن اولاً قطعی نیست؛ ثانیاً منافاتی ندارد با اینکه اشعاری هم به ادعای ما داشته باشد و دلیل دیگرش هم می‌تواند همان تأثیرات بیشتر مادر باشد و شاید به همین دلیل در قرآن هیچ‌گاه کسی به پدر نسبت داده نشده است. افزون بر این، در روایات امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام فرزندان رسول الله صلی الله علیه و آله معرفی شده‌اند در حالی که آنها از مادر به رسول الله می‌رسند. اما قرآن کریم در هیچ موردی افراد را به پدر منتسب نکرده است (حسینی زاده، ۱۳۹۵، ص ۵).

۵-۲. روایات

روایاتی درباره تأثیرگذاری مادر در شکل و قیافه فرزند در زمان حمل وجود دارد. اگرچه این روایات، نقش محیطی مادر را در دوران حمل بیان می‌کنند. ولی براساس برخی تعاریف از وراثت، نقش تربیتی دوران حمل نیز جزو نقش‌های وراثتی است و این نقش با نقشه محیط بعد از تولد که هرکس می‌تواند در فرزند تأثیرات محیطی داشته باشد متفاوت است، بلکه این نقش ویژه مادر است و حتی پدر نمی‌تواند در فرزند از این باب تأثیرگذار باشد. روایاتی که بر نقش تغذیه مادر هنگام بارداری در شکل، قیافه، عقل و حتی اخلاق فرزند دلالت دارد حاکی از نقش وراثتی مادر و یا نقش ویژه مادر در تربیت فرزند پیش از تولد است. (حسینی زاده، ۱۳۹۵، ص ۵)

شرحیبل از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «اگر زن حامله گلابی بخورد، فرزندش دارای بوی خوش و رنگی روشن خواهد بود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۷۷/۶۳). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «زنان حامله را شیر بخورانید؛ زیرا فرزند اگر در رحم مادر با شیر تغذیه شود عقلش استوار می‌شود و اگر پسر باشد شجاع خواهد بود» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲۳/۶). امام رضا علیه السلام فرمود: «زنان حامله را شیر بخورانید؛ زیرا اگر جنین درون رحم پسر باشد قلبی پاک، عالم و شجاع خواهد داشت و اگر دختر باشد زیبا و نیک خو خواهد شد» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲۳/۶).

روایاتی که بر نقش شیر مادر در تربیت فرزند دلالت دارند نیز نقش ویژه مادر در تربیت را مطرح می‌کنند که می‌توان این نقش را نیز به‌گونه‌ای وراثتی دانست؛ زیرا شیر مادر از شیر جان اوست و صفات، خلیقات و حتی عقل و هوش مادر را به فرزند منتقل می‌کند. برخی روایات به این تأثیرات اشاره دارند. روایاتی که از رضاع (شیردهی) ولدالزنا، مجوسی، یهودی، مسیحی و زن کم‌عقل نهی می‌کنند از این باب هستند. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۷۹/۲۰) در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است: «از زن احمق برای شیردهی به فرزند استفاده نکنید؛ زیرا شیر حتی بر طبع، غلبه می‌کند و طبع کودک را تغییر می‌دهد» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۸۴/۲۰). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صدر روایت مشهوری می‌فرماید: «الشقی شقی فی بطن امه والسعید سعید فی بطن امه؛ شقی در شکم مادر شقی است و سعید نیز در شکم مادر سعید است» (عروسی الحویزی، ۱۴۱۵، ص ۱۸). این روایت بیشتر در

منابع اهل سنت آمده است، ولی ابی‌جارود هم آن را از امام صادق علیه السلام نقل کرده است. ابی‌جارود اگرچه مورد طعن واقع شده و روایتش ضعیف است، ولی علامه طباطبایی می‌فرماید: «علما، روایات وی در زمان پیش از انحرافش را قبول کرده‌اند و مضمون آیات و روایات زیادی هم آن را تأیید می‌کنند، اما دلالت ظاهر این روایت هم با اختیار انسان منافات دارد. یکی از راه‌های رفع این تنافی این است که این روایات، حمل بر تأکید شود؛ یعنی مقصود روایت این است که نقش وراثتی مادر در فرزند به اندازه‌ای زیاد است که بسا سرنوشت فرزند را رقم می‌زند، پس این روایت حاکی از آن است که نقش وراثتی مادر در تربیت فرزند نقش بسیار مهم و بیش از پدر است» (حسینی‌زاده، ۱۳۹۵، ص ۶).

۶. اصول مؤثر در تربیت

۶-۱. اصل خودسازی

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خود را از آتش جهنم حفظ نمایید.» (تحریم: ۶) امام علی علیه السلام می‌فرماید: «وَلَوْ أَمِنَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ تَأْدِيبُهَا وَاعْدِلُوا بِهَا عَنْ ضَرَاوَةِ عَادَاتِهَا؛ ادب و تربیت نفس‌های خویش را به عهده بگیرید و آن را از سلطه عبادت‌ها بازدارید» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۳۱۹)، «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ؛ کسی که (در مقام هدایت و تربیت) خود را پیشوای دیگران قرار می‌دهد باید از تعالیم (و تربیت) خویش آغاز کند پیش از آنکه به تعلیم (و تربیت) دیگری بپردازد» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴، ص ۴۷۰). چه بسیار اوقات که انسان خود را معلم و مربی فرزندان می‌داند، اما هرگز درباره رفتار و گفتار خود نمی‌اندیشد. چه بسا که از تمام اعضای خانواده، رفتار و گفتاری مؤدبانه را توقع دارد، اما هیچ‌گونه مراقبه و محاسبه را بر رفتار و گفتار خود انجام نمی‌دهد. گاه تمام هوش و حواس خود را صرف وقت بر اعمال دیگران و ایرادگیری از عیوب ایشان می‌کند درحالی‌که خود در حصار عادت‌های غلط و خواسته‌های نفسانی خویش زنجیر و از عیوب نفس خویش غافل است.

چه بسا انسان وقت‌گذاری برای تربیت و پرورش نفس خود را امری اضافی و بی‌حاصل می‌داند و پردازش شخصیت خود را در گذر زمان به امان خدا وامی‌گذارد، اما همواره آرزوی یک تربیت موفق و برتر را در سر می‌پروراند. در چنین احوالی، خداوند متعال انسان را خطاب کرده و می‌فرماید: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ؛ چگونه شما مردم را به نیکی و نیکوکاری دستور می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید» (بقره: ۴۴). از منظر قرآن در نظام تربیتی خانواده بیش از هر چیز بر (شروع از خود) و مراقبت در رفتار و گفتار خویش تأکید می‌شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ» (مائده: ۱۰۵). «یا ایها الذین آمنوا قوا أنفسکم وأهلیکم نارا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خود را آتش حفظ نمایید» (تحریم: ۶).

مقدم داشتن خود بر خانواده در مقام (هدایت و تربیت) در آیه دوم قابل تأمل است چنانچه پس از نازل شدن این آیه نورانی، مردم از پیامبر ﷺ پرسیدند: «چگونه خود و خانواده خود را از آتش حفظ نماییم. حضرت در پاسخ فرمود: خودتان عمل خیر انجام دهید و آن را به خانواده خویش یادآوری کنید و ایشان را بر پایه فرمانبرداری از خداوند ادب نمایید». اصل روایت بدین‌گونه است: «لَمَّا نَزَلَتْ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا، قَالَ النَّاسُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! كَيْفَ نَقِي أَنْفُسَنَا وَأَهْلِيْنَا؟ قَالَ ﷺ: اَعْمَلُوا الْخَيْرَ وَذَكِّرُوا بِهِ أَهْلِيكُمْ فَأَدِّبُوهُمْ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ۲۰۱/۱۲). در این راستا توجه به اصل عمل کردن به جای گفتن، بسیار ضروری است. پروردگار جهانیان در کلام وحی، اهل ایمان را از گفتن‌های بدون عمل به شدت بازداشتته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ تَقْوُلُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید چرا چیزی را می‌گویید که بدان عمل نمی‌کنید. در نزد خداوند بسیار بد و ناپسند است که چیزی را بگویید که بدان عمل نمی‌کنید» (صف: ۳ و ۴). در احادیث اهل بیت نیز بر اصالت عمل و عمل‌گرایی به‌ویژه در مقام تعلیم و تربیت تأکید شده است. امام صادق ﷺ فرمود: «كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِالْخَيْرِ بَعِيرِ أَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْأَجْتِهَادَ وَالصِّدْقَ وَالْوَرَعَ؛ با غیر زبانتان (با رفتارتان نه گفتارتان) دعوت‌کننده مردم به سوی فضائل و خوبی‌ها باشید تا در شما کوشش، راستی و پرهیزگاری ببینند» (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۰۵/۲). امیرالمومنین علی ﷺ می‌فرماید: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ

لِلنَّاسِ إِمَامًا وَ لِيُكُنْ تَأْدِيبُهُ بَسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ؛ کسی که خود را پیشوای (هدایت و تربیت) دیگران قرار می‌دهد باید پیش از آنکه با زبان و گفتار تربیت کند با کردار و رفتارش تربیت کند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۶/۲).

۶-۲. اصل خدامحوری و عبادت خانوادگی

در زندگانی مشترک امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام تمام اعضای خانواده عاشق و شیفته پروردگار بودند. امام علی علیه السلام فرمود: «عشق به خداوند آتشی است که بر چیزی نمی‌گذرد جز آنکه آن را به آتش می‌کشاند و نوری خدایی است که بر چیزی پرتو نمی‌افکند جز آنکه آن را غرق نور می‌کند، پس کسی که به خداوند عشق بورزد همه چیز ملک و ملکوت خویش را به او می‌دهد» (منسوب به امام صادق علیه السلام، مصباح الشریعه، ص ۱۹۲). امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «هرگاه خداوند بخواهد بنده‌ای را گرامی بدارد او را گرفتار عشق و محبت خویش می‌گرداند» (نهج البلاغه، حکمت ۳۶۸). قال الحسن البصری: «ما كان في هذه الأمة أعبد من فاطمة، كانت تقوم حتى توترمت قدمها؛ در تمام دنیا عابدتر از فاطمه یافت نمی‌شود. او به حدی برای نماز و عبادت برپا می‌ایستاد که پاهایش ورم می‌کرد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۶/۴۳).

حضرت فاطمه علیها السلام هر شب پس از فراغت از وظایف خانه‌داری چنان خائفانه و خالصانه بر سجاده به نماز می‌ایستاد که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مَتَى قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا بَيْنَ يَدَي رِبِّهَا يَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: يَا مَلَائِكَتِي انظروا إلى أمتي فاطمة سيدة إمامي قائمة بين يدي ترتعد فرائضها من خيفتي و قد أقبلت بقلبها على عبادتي أشهدكم أنني قد أمتت شيعتها من النار؛ وقتی فاطمه در محراب عبادت درمقابل پروردگارش می‌ایستاد حضرت حق به او بر ملائکه خویش مباحثات می‌کرد و می‌فرمود: ملائکه من بر سرور کنیزان من، فاطمه نظر کنید بر درگاه من ایستاده درحالی که بندبند وجودش از خوف من مرتعش و لرزان است و با تمام وجودش به عبادت من روی نهاده است. شما را گواه می‌گیرم که پیروان و شیعیان او را از آتش ایمنی بخشیدم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۸/۲۸). «بینید انسان چه روحیه قوی باید داشته باشد تا بتواند بچه‌ها را به آن خوبی تربیت

کند. حالا شما بگوئید امام حسن و امام حسین، امام بودند و طینت امامت داشتند، ولی زینب که امام نبود. فاطمه زهرا علیها السلام این گونه خانه‌داری، شوهرداری و کد بانویی کردند و این طور محور زندگی فامیل ماندگار در تاریخ قرار گرفتند. آیا اینها نمی‌توانند برای یک دختر جوان، یک خانم خانه‌دار یا مشرف به خانه‌داری الگو باشند. اینها خیلی مهم است» (از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از جوانان، ۱۳۷۷/۲/۷).

۷. نتیجه‌گیری

از مجموع آیات و روایات به دست می‌آید که نقش مادر، نقشی غیرقابل بدیل در آینده کودک است. از این رو ارتباط روحی او با پروردگار و ایمان درونی‌اش نیز تأثیر شگرفی در حالات معنوی فرزندان دارد. این تأثیرگذاری از دوره قبل از تولد آغاز می‌شود و بعد از تولد نوزاد در دوره شیردهی نیز تأثیر حالات روحی، معنوی، اخلاقی مادر در فرزند ادامه می‌یابد. همراهی مادر با کودک در مراسم اهل بیت، اهمیت دادن و اهتمام به نماز و... نقش مؤثری در تربیت دینی فرزند دارد. اصل خودسازی، اصل خدامحوری و عبادت خانوادگی برای مادر از اصول برجسته در تربیت است که مادران باید به این اصول توجه لازم را داشته باشند تا بتوانند فرزندان باایمانی تربیت کنند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۹۷). مترجم: الهی قمشه‌ای، مهدی. تهران: انتشارات قلم بصیر.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه. قم: جامعه مدرسین.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دارالفکر.
۳. امینی، ابراهیم (۱۳۷۶). اسلام و تعلیم و تربیت. تهران: انجمن اولیا و مربیان.
۴. برجی نژاد، زینب (۱۳۸۹). نقش مادر در تربیت فرزند. نشریه پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، سال سوم، شماره ۶، ۱۸۳-۲۱۰.
۵. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از جوانان، مورخ ۱۳۷۷/۲/۷. تاریخ بازدید: ۱۴۰۱/۹/۷ به آدرس: <https://farsi.khamenei.ir>
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰). غرر الحکم. قم: دارالکتاب الاسلامی.
۷. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام.
۸. حسینی زاده، سید علی (۱۳۹۵). نقش وراثتی مادر در تربیت فرزند از دیدگاه اسلامی. نشریه تربیت اسلامی، ۲۲(۱۱)، ۴۹-۶۱.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات الفاظ قرآن. لبنان: بیروت.

۱۰. سادات، محمدعلی (۱۳۷۲). رفتاروالدین با فرزندان. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
۱۱. شریف‌الرضی، محمدبن حسین (۱۴۱۴). نهج البلاغه. قم: مؤسسه دارالهجره.
۱۲. شریف‌لاهیجی، محمدبن‌علی (۱۳۷۳). تفسیر شریف‌لاهیجی. تهران: دفتر نشر داد.
۱۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. مترجم: موسوی، محمدباقر. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۴. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰). مکارم الاخلاق. قم: الشریف‌رضی.
۱۵. عروسی‌الحویزی، عبدالعلی بن جمعه (۱۴۱۵). نور الثقلین. مصحح: رسولی‌محلّاتی، هاشم. قم: اسماعیلیان.
۱۶. عمید، حسن (۱۳۵۳). فرهنگ عمید. تهران: انتشارات جاویدان.
۱۷. قریب، محمد (۱۳۶۰). واژه‌نامه نوین. تهران: انتشارات بنیاد.
۱۸. کریمی‌نیا، محمدمهدی.، جای، زهرا،، و انصاری مقدم، مجتبی (۱۴۰۰). بازکاوی اهمیت نقش مادر در تربیت دینی دختران. نشریه پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، ۳۵(۴)، ۱۲۰-۱۳۴.
۱۹. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. مترجم: غفاری، علی‌اکبر، آخوندی، و محمد. تهران: دارالکتب اسلامیه.
۲۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحارالانوار. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۲۱. محدث‌نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل. قم: مؤسسه آل‌البتیة.
۲۲. محدثی، محمدجواد (۱۳۷۶). حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام). قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۳. مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۸۵). خودشناسی برای خودسازی. قم: مؤسسه امام خمینی (علیه‌السلام).
۲۴. مطهری، مرتضی (۱۳۸۳). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا.
۲۵. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴). الکاشف. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. منسوب‌للامام جعفر الصادق (۱۴۰۰). مصباح الشریعه. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.